



شناسایی عوامل مؤثر بر تلفیق تربیت دینی و آموزش محیط‌زیستی

حسین عبدلی^{۱*}

۱. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: abdoli88.hossein@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر تلفیق تربیت دینی و آموزش محیط‌زیستی در نظام آموزشی ایران است. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شده است. مشارکت‌کنندگان شامل ۲۴ نفر از متخصصان حوزه‌های تربیت دینی، محیط‌زیست، تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی از میان کارشناسان و اساتید دانشگاهی در شهر تهران انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل شد. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت و اعتبار تحلیل با بهره‌گیری از تکنیک‌های اعتبارسنجی مشارکت‌کننده و بازبینی همکار تأیید شد. یافته‌ها نشان داد که سه مقوله اصلی شامل «مبانی ارزشی و معرفتی»، «ظرفیت‌های نهادی و ساختاری» و «زمینه‌های تربیتی و روان‌شناختی» در تلفیق مؤثر تربیت دینی و آموزش محیط‌زیستی نقش دارند. این مقولات شامل زیرمؤلفه‌هایی نظیر پیوند آموزه‌های دینی با مفاهیم زیست‌محیطی، ضعف ساختار برنامه‌درسی تلفیقی، سبک‌های یاددهی-یادگیری، انگیزش درونی و نقش نهادهای دینی بودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تلفیق تربیت دینی و آموزش محیط‌زیستی از طریق بازنگری در محتوای درسی، توانمندسازی معلمان، استفاده از ظرفیت نهادهای دینی و توسعه روش‌های یادگیری تجربی و ارزشی، می‌تواند به درونی‌سازی رفتارهای محیط‌زیستی در دانش‌آموزان کمک کند و گامی در جهت آموزش برای توسعه پایدار باشد.

کلیدواژه‌گان: تربیت دینی؛ آموزش محیط‌زیستی؛ تلفیق درسی؛ توسعه پایدار؛ تحلیل مضمون

تاریخ ارسال: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

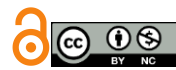
تاریخ بازنگری: ۷ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۸ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۳



How to cite: Abdoli, H. (2024). Identifying the Factors Influencing the Integration of Religious Education and Environmental Education. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(2), 1-9.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying the Factors Influencing the Integration of Religious Education and Environmental Education

Hossein Abdoli^{1*}

1. Department of Educational Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: abdoli88.hossein@gmail.com

Abstract

This study aimed to identify the factors influencing the integration of religious education and environmental education in Iran's educational system. This qualitative study employed thematic analysis. Participants included 24 experts in religious education, environmental studies, curriculum planning, and pedagogy, selected through purposive and snowball sampling from among academic faculty and specialists in Tehran. Data were collected via semi-structured interviews and analyzed using NVivo software. Thematic coding was performed in three stages: open, axial, and selective coding. Trustworthiness was ensured through member checking and peer review techniques. The results revealed three main themes influencing the integration process: “value-based and epistemological foundations,” “institutional and structural capacities,” and “educational and psychological contexts.” Subthemes included alignment of religious teachings with environmental ethics, lack of integrated curriculum structure, teaching-learning styles, intrinsic motivation, and the role of religious institutions. The study concludes that integrating religious and environmental education—through curriculum reform, teacher empowerment, leveraging religious institutions, and promoting experiential and value-based learning—can facilitate the internalization of pro-environmental behaviors among students and contribute to education for sustainable development.

Keywords: *Religious education; Environmental education; Curriculum integration; Sustainable development; Thematic analysis*

Submit Date: 20 April 2024

Revise Date: 27 May 2024

Accept Date: 17 June 2024

Publish Date: 3 July 2024

در دهه‌های اخیر، دغدغه‌های جهانی نسبت به بحران‌های محیط‌زیستی از جمله آلودگی هوا و آب، کاهش منابع طبیعی، تغییرات اقلیمی و نابودی تنوع زیستی، افزایش چشمگیری یافته است. این بحران‌ها نه تنها حیات بشر بلکه تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع را تحت تأثیر قرار داده‌اند و لزوم بازاندیشی در رویکردهای آموزشی و تربیتی را برجسته کرده‌اند. یکی از راهکارهای پایدار در مقابله با چالش‌های محیط‌زیستی، توسعه آموزش محیط‌زیستی در نظام‌های تربیتی است؛ آموزشی که فراتر از انتقال دانش، به تقویت نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی در نسل‌های آینده می‌پردازد (Stevenson et al., 2013).

در عین حال، تربیت دینی نیز یکی از ارکان اساسی نظام‌های آموزشی بسیاری از کشورها به‌ویژه جوامع اسلامی محسوب می‌شود. این نوع تربیت، هدفی فراتر از انتقال مفاهیم دینی را دنبال می‌کند و در پی پرورش انسان‌هایی با هویت معنوی، مسؤول، و اخلاق‌مدار است (Halstead, 2007). آموزه‌های دینی اسلامی بر حفظ تعادل در آفرینش، احترام به طبیعت، پرهیز از اسراف، و مسؤولیت انسان در برابر محیط پیرامون تأکید دارند. در قرآن کریم آیات متعددی طبیعت را به‌عنوان "آیات الهی" معرفی می‌کنند و بر ضرورت تدبیر در پدیده‌های طبیعی تأکید می‌ورزند (Nasrabadi & Yousefy, 2011). همچنین در سیره پیامبر اسلام (ص)، نمونه‌های متعددی از رعایت حقوق موجودات و حفظ محیط طبیعی مشاهده می‌شود.

در این میان، ادغام یا تلفیق آموزش محیط‌زیستی و تربیت دینی می‌تواند منجر به تقویت رویکردی ارزش‌محور و عمیق در زمینه حفاظت از محیط‌زیست شود. به‌عبارت دیگر، تلفیق این دو حوزه می‌تواند موجب درونی‌سازی ارزش‌های زیست‌محیطی از طریق بسترهای دینی شده و از سطح شناختی و دانشی فراتر رود و به سطح عاطفی و رفتاری در حیات فردی و اجتماعی دانش‌آموزان نفوذ کند (Ozdemir, 2010). این رویکرد تلفیقی در واقع زمینه‌ای برای ایجاد هویت دینی-زیست‌محیطی در دانش‌آموزان فراهم می‌سازد که از منظر تربیتی و روان‌شناختی نیز واجد اهمیت است (Chuvieco et al., 2016).

با وجود این ظرفیت‌ها، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌های آموزشی، میان آموزش دینی و محیط‌زیستی نوعی گسست وجود دارد و اغلب این دو حوزه به‌صورت جداگانه و در چارچوب‌های موضوع‌محور و غیرتلفیقی آموزش داده می‌شوند. به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که تربیت دینی از جایگاه والایی در نظام تعلیم و تربیت برخوردار است، غفلت از ظرفیت‌های دین در تربیت زیست‌محیطی می‌تواند یک فرصت از دست‌رفته محسوب شود. طبق پژوهش عبادی و همکاران (۲۰۲۰)، در برنامه‌های درسی رسمی ایران، مفاهیم زیست‌محیطی بیشتر به‌صورت پراکنده و موضوعی در دروس علوم یا جغرافیا مطرح شده‌اند و پیوند معناداری با ارزش‌های دینی برقرار نشده است.

در عین حال، نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت معتقدند که برای مواجهه با چالش‌های پیچیده جهانی مانند بحران محیط‌زیست، باید از آموزش‌های تک‌بعدی فاصله گرفت و به‌سوی آموزش‌های تلفیقی و میان‌رشته‌ای حرکت کرد؛ آموزش‌هایی که بتوانند مهارت‌های تفکر انتقادی، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، و حساسیت اخلاقی را در فراگیران پرورش دهند (Sterling, 2001). در همین راستا، پژوهشگران تلفیق مفاهیم دینی با مفاهیم توسعه پایدار و زیست‌محیطی را به‌عنوان راهکاری مؤثر در تربیت شهروندانی متعهد به پایداری معرفی کرده‌اند (Scott & Gough, 2003).

افزون بر آن، یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که دین و باورهای معنوی نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی افراد ایفا می‌کنند. مطالعات انجام‌شده در کشورهای مختلف از جمله مالزی، ترکیه و ایران، حاکی از آن است که گرایش‌های دینی و تعهدات اخلاقی ناشی از ایمان، می‌توانند انگیزه‌های قوی‌تری برای رفتارهای محیط‌زیستی فراهم کنند (Ewert et al., 2006; Zsóka et al., 2013). این امر به‌ویژه در نوجوانان که در مرحله شکل‌گیری هویت قرار دارند، اهمیت بیشتری دارد.

با این وجود، تلفیق موفق تربیت دینی و آموزش محیط‌زیستی مستلزم شناخت دقیق عوامل مؤثر بر این فرایند است. عواملی که می‌توانند در سطوح مختلف فردی، نهادی، فرهنگی و آموزشی تأثیرگذار باشند. به‌عنوان مثال، باورهای معلمان، محتوای برنامه‌های درسی، سبک‌های

تدریس، نقش خانواده، ساختار نهادهای دینی و نحوه تعامل آن‌ها با نهادهای آموزشی، همگی می‌توانند به‌عنوان تسهیل‌کننده یا مانع در این مسیر ایفای نقش کنند.

با توجه به خلأ مطالعاتی موجود در زمینه بررسی عمیق عوامل مؤثر بر تلفیق تربیت دینی و آموزش محیط‌زیستی در بافت فرهنگی و آموزشی ایران، پژوهش حاضر با هدف شناسایی این عوامل از منظر متخصصان حوزه‌های مرتبط، طراحی شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون، تلاش می‌کند با اتکا به مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، به شناسایی و تبیین مؤلفه‌های کلیدی و زمینه‌ساز در این حوزه بپردازد.

پرسش بنیادین این تحقیق آن است که چه عوامل و مؤلفه‌هایی می‌توانند زمینه‌ساز تلفیق مؤثر، علمی و پایدار میان تربیت دینی و آموزش محیط‌زیستی در نظام تعلیم و تربیت ایران باشند؟ همچنین، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که چه ظرفیت‌هایی در نهادهای دینی، ساختارهای آموزشی و بسترهای فرهنگی وجود دارد که می‌توانند به‌عنوان محرک‌های کلیدی در مسیر تلفیق دوگانه‌ی مذکور عمل کنند.

بی‌تردید، پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند مسیر تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ریزی درسی، آموزش معلمان، و همچنین ترویج فرهنگ زیست‌محیطی مبتنی بر ارزش‌های دینی را هموار سازد. بدین ترتیب، یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای برنامه‌ریزان آموزشی، طراحان کتب درسی، معلمان، روحانیون، فعالان محیط‌زیست، و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت کاربردی و راهگشا باشد.

روش‌شناسی

در این پژوهش از رویکرد کیفی با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر تلفیق تربیت دینی و آموزش محیط‌زیستی استفاده شده است. طراحی مطالعه به صورت تحلیل مضمون است و تلاش شده تا از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، دیدگاه‌های تخصصی مشارکت‌کنندگان در این زمینه گردآوری و تحلیل شود.

مطالعه حاضر با بهره‌گیری از روش کیفی و راهبرد تحلیل مضمون انجام شده است. مشارکت‌کنندگان شامل ۲۴ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه‌های تربیت دینی، آموزش محیط‌زیستی، برنامه‌ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت هستند که به‌صورت هدفمند و با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی از بین اساتید دانشگاهی، مربیان آموزش و پرورش و کارشناسان حوزه‌های مربوطه در شهر تهران انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه، داشتن تجربه یا دانش تخصصی مرتبط با موضوع پژوهش بود.

گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. سؤالات مصاحبه بر پایه اهداف پژوهش طراحی شدند و انعطاف لازم برای پیگیری عمیق پاسخ‌ها وجود داشت. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، به طوری که پس از مصاحبه با ۲۴ نفر، داده‌های جدیدی حاصل نشد و اشباع مفهومی محقق گردید.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تمامی مصاحبه‌ها ضبط، پیاده‌سازی و سپس با استفاده از نرم‌افزار NVivo کدگذاری و تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گرفت. تلاش شد تا مفاهیم کلیدی استخراج شده در قالب مضامین اصلی و فرعی طبقه‌بندی و تفسیر شوند. به منظور اطمینان از اعتبار یافته‌ها، از روش‌های اعتبارسنجی مشارکت‌کننده، بازبینی توسط همکار پژوهشگر، و بررسی تطبیقی کدها بهره گرفته شد.

یافته‌ها

مقوله اول: مبانی ارزشی و معرفتی

پیوند ارزش‌های دینی و زیست‌محیطی:

اکثر مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که ارزش‌های اسلامی مانند کرامت مخلوقات، حرمت طبیعت و مسؤولیت اخلاقی انسان نسبت به محیط‌زیست می‌تواند به‌عنوان بنیانی برای تلفیق مؤثر تعلیم دینی و آموزش زیست‌محیطی عمل کند. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «ما اگر خدا رو در طبیعت ببینیم، دیگه به راحتی به طبیعت آسیب نمی‌زنیم، چون احترام به مخلوق، احترام به خالق.»

آموزه‌های دینی مرتبط با محیط زیست:

تعدادی از مشارکت‌کنندگان به صراحت به آیات و احادیثی اشاره کردند که مستقیماً یا به‌صورت ضمنی بر حفظ محیط‌زیست تأکید دارند، مانند نهی از اسراف یا وجوب رعایت عدالت. به گفته یکی از اساتید حوزه تربیت دینی: «در قرآن و سنت پیامبر بارها از طبیعت به‌عنوان نعمت و نشانه خدا نام برده شده، ولی ما در آموزش دینی به این بعد کم می‌پردازیم.»

ادراک معنادار از خلقت:

مفهوم خلقت هدفمند و آگاهانه، نقش مهمی در ایجاد نگرش مثبت نسبت به طبیعت دارد. بسیاری از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که تربیت دینی باید نگاه انسان را از مصرف‌گرایی به تأمل در آفرینش سوق دهد. یکی از معلمان گفت: «وقتی بچه بفهمه طبیعت بی‌هدف خلق نشده، با دل و جان ازش محافظت می‌کنه.»

نقش جهان‌بینی توحیدی در تربیت زیستی:

جهان‌بینی توحیدی، با تأکید بر وحدت در خلقت و ارتباط متقابل انسان و طبیعت، زمینه‌ای غنی برای تربیت زیست‌محیطی فراهم می‌آورد. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «وقتی به طبیعت از دریچه توحید نگاه کنیم، دیگه تفکیکی بین دین و محیط‌زیست قائل نمی‌شیم، هر دو جلوه خدا هستن.»

عقلانیت دینی در مواجهه با مسائل زیستی:

تعدد مشارکت‌کنندگان به ضرورت بازخوانی منابع دینی با رویکرد عقلانی و معاصر تأکید داشتند. به‌ویژه برخی به فقه محیط‌زیست و اجتهاد در حوزه مسائل نوظهور زیستی اشاره کردند. به گفته یکی از کارشناسان دینی: «اگر بخوایم دین‌دار باشیم تو دنیای امروز، باید از عقل در کنار نقل استفاده کنیم، مخصوصاً در موضوعات زیستی.»

الگوهای رفتاری پیامبران:

سیره انبیاء و به‌ویژه پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان الگوهایی زنده برای احترام به طبیعت مطرح شد. مشارکت‌کننده‌ای گفت: «پیامبر به درختان احترام می‌داشت، حتی وقتی لشکرکشی می‌کرد، دستور می‌داد درختی قطع نشه. اینا بهترین درس برای بچه‌هاست.»

مقوله دوم: ظرفیت‌های نهادی و ساختاری

نظام آموزشی و برنامه درسی:

یکی از موانع مهم، ساختار غیرتلفیقی برنامه‌های درسی است که بین آموزش دینی و زیست‌محیطی تمایز شدیدی قائل می‌شود. مشارکت‌کننده‌ای اظهار داشت: «در کتاب‌های درسی ما دین یه چیزه، محیط‌زیست یه چیز دیگه؛ اصلاً پیوندی بینشون نیست.»

تعامل بین نهادهای دینی و زیست‌محیطی:

بسیاری از مشارکت‌کنندگان از نبود تعامل نهادی مؤثر بین نهادهای دینی و سازمان‌های محیط‌زیستی انتقاد داشتند. یکی از آنان گفت: «سازمان محیط‌زیست کار خودشو می‌کنه، آموزش و پرورش هم جدا؛ انگار دغدغه‌های مشترک ندارن.»

سیاست‌های فرهنگی و تربیتی:

تعدد مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که سیاست‌گذاری‌ها عمدتاً صوری و غیرپایدارند و نگاه کلیشه‌ای به دین و محیط‌زیست باعث ناکارآمدی در اجرا شده است. به گفته یکی از کارشناسان فرهنگی: «خیلی وقت‌ها سیاست‌ها فقط روی کاغذ، نه نهادینه می‌شه نه پایدار.»

نقش مساجد و مراکز دینی:

فرصت‌های مغفول در مراکز دینی یکی دیگر از نکات پرتکرار بود. برخی پیشنهاد دادند که امامان جماعت در خطبه‌ها به مسأله محیط‌زیست نیز بپردازند. یکی از معلمان گفت: «اگر ائمه جماعات درباره آلودگی و حفظ منابع حرف بزن، بچه‌ها هم از همون سن یاد می‌گیرن.» رسانه و آموزش عمومی:

نقش مهم رسانه‌ها در اشاعه پیام‌های دینی-زیستی مورد توجه قرار گرفت. برخی به ناهماهنگی پیام‌ها اشاره کردند. مشارکت‌کننده‌ای بیان داشت: «از یه طرف تو کتاب درسی از ساده‌زیستی می‌گیم، از طرف دیگه تو تلویزیون سبک زندگی مصرف‌گرا تبلیغ می‌شه.» مقوله سوم: زمینه‌های تربیتی و روان‌شناختی انگیزش درونی در رفتار محیط‌زیستی:

بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر اهمیت ایجاد انگیزش درونی بر پایه باورهای دینی در کودکان تأکید داشتند. یکی از آنان گفت: «بچه‌ها وقتی احساس کنن مراقبت از طبیعت یک وظیفه دینی، با عشق انجامش می‌دن.» سبک‌های یاددهی-یادگیری:

مشارکت‌کنندگان معتقد بودند استفاده از روش‌های فعال، مشارکتی و تجربه‌محور مانند پروژه‌های زیستی و روایت‌های قرآنی می‌تواند تأثیرگذاری آموزش تلفیقی را افزایش دهد. یکی از معلمان اشاره کرد: «من وقتی بچه‌ها رو می‌برم طبیعت و در مورد خلقت براشون حرف می‌زنم، خیلی بیشتر از کلاس درس تأثیر می‌گیرن.» نقش خانواده در آموزش دینی-زیستی:

خانواده به عنوان بستر اصلی انتقال غیررسمی ارزش‌ها معرفی شد. سبک تربیت دینی والدین و الگوی رفتاری آن‌ها در مواجهه با محیط‌زیست نقش کلیدی دارد. یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «بچه وقتی می‌بینه پدر و مادرش زباله رو تو طبیعت رها نمی‌کنن، خودش هم رعایت می‌کنه.» ظرفیت معلمان:

قابلیت‌های اعتقادی، علمی و مهارتی معلمان عامل مهمی در اجرای موفق آموزش تلفیقی شناخته شد. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «معلمی که خودش به این پیوند باور نداشته باشه، نمی‌تونه چیزی رو منتقل کنه.» شکل‌گیری هویت زیستی-دینی:

در نهایت، ترکیب باورهای دینی و زیست‌محیطی در ذهن و رفتار دانش‌آموزان منجر به شکل‌گیری هویت ترکیبی می‌شود که بر پایبندی بلندمدت به ارزش‌ها تأثیرگذار است. به بیان یکی از صاحب‌نظران: «بچه‌ای که بفهمه حفاظت از طبیعت بخشی از دینداریشه، دیگه این کار رو فقط برای نمره یا تشویق انجام نمی‌ده.»

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تلفیق تربیت دینی و آموزش محیط‌زیستی تحت تأثیر سه مقوله اصلی شامل «مبانی ارزشی و معرفتی»، «ظرفیت‌های نهادی و ساختاری» و «زمینه‌های تربیتی و روان‌شناختی» قرار دارد. در مقوله نخست، مفاهیمی مانند کرامت مخلوقات، مسؤولیت اخلاقی انسان، آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر اسلام به عنوان ظرفیت‌های مفهومی و معنایی دین برای آموزش محیط‌زیستی شناسایی شدند. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که نگاه توحیدی به خلقت و طبیعت می‌تواند درونی‌سازی رفتارهای زیست‌محیطی را تسهیل کند. این یافته‌ها با مطالعاتی چون Nasrabadi و Yousefy (۲۰۱۱) همسو است که به تبیین پیوند میان جهان‌بینی اسلامی و اخلاق زیست‌محیطی پرداختند و نشان دادند آموزه‌های دینی می‌توانند پایه‌ای برای آموزش پایداری باشند.

همچنین در همین راستا، پژوهش Chuvieco et al. (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که باورهای دینی نه تنها با گرایش‌های زیست‌محیطی ناسازگار نیستند، بلکه در برخی بافت‌ها موجب تعمیق انگیزش در رفتارهای مسئولانه می‌شوند. در پژوهش حاضر نیز، مشارکت‌کنندگان بر اهمیت

بازخوانی مفاهیم دینی با رویکرد زیست‌محیطی تأکید داشتند. استفاده از عقلانیت دینی، بازاندیشی در منابع فقهی و احیای سنت‌های رفتاری پیامبر اسلام از جمله پیشنهادهای بود که در مصاحبه‌ها مورد اشاره قرار گرفت.

در مقوله دوم یعنی «ظرفیت‌های نهادی و ساختاری»، چالش‌هایی چون ضعف برنامه درسی تلفیقی، نبود همکاری نهادی میان نهادهای دینی و محیط‌زیستی، و ناکارآمدی سیاست‌های فرهنگی شناسایی شد. مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که ساختارهای موجود آموزش و پرورش، از جمله کتب درسی و شیوه‌های آموزش معلمان، نتوانسته‌اند پیوند معناداری میان دین و محیط‌زیست برقرار کنند. این یافته‌ها با پژوهش Abedi et al. (۲۰۲۰) همخوانی دارد که نشان داد در نظام آموزشی ایران، مفاهیم محیط‌زیستی غالباً به‌صورت سطحی و گسسته مطرح می‌شوند و با سایر ابعاد تربیتی تلفیق مؤثری ندارند.

از سوی دیگر، مشارکت‌کنندگان بر نقش نهادهای دینی به‌ویژه مساجد، مراکز فرهنگی و رسانه‌ها در ترویج ارزش‌های زیست‌محیطی تأکید داشتند. این نکته نیز با نتایج پژوهش Ewert et al. (۲۰۰۶) همراستا است که نشان می‌دهد نهادهای فرهنگی-دینی می‌توانند با تولید محتوا و الگوسازی رفتاری، تأثیر قابل توجهی بر گرایش‌های محیط‌زیستی نوجوانان داشته باشند.

در مقوله سوم یعنی «زمینه‌های تربیتی و روان‌شناختی»، عناصر مهمی همچون انگیزش درونی، سبک‌های یادگیری فعال، نقش خانواده، باورهای معلمان و هویت دینی-زیستی دانش‌آموزان شناسایی شد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که تربیت زیست‌محیطی از طریق دین زمانی مؤثر خواهد بود که در بستر تجربه زیسته و محیطی معنادار به دانش‌آموز منتقل شود. به‌عنوان مثال، مشارکت‌کنندگان بر اهمیت پروژه‌های میدانی با مضامین دینی و قرآنی برای تقویت تجربه زیستی و احساسی تأکید داشتند. این امر با دیدگاه‌های Sterling (۲۰۰۱) و Stevenson et al. (۲۰۱۳) هماهنگ است که آموزش‌های محیط‌زیستی مؤثر را در پیوند با تجربه شخصی و یادگیری زمینه‌مند می‌دانند.

از منظر روان‌شناختی نیز، یافته‌ها حاکی از آن بود که شکل‌گیری هویت ترکیبی دینی-زیست‌محیطی در دانش‌آموزان نقش کلیدی در پایداری رفتارهای محافظتی دارد. پژوهش‌های Zsóka et al. (۲۰۱۳) و Ozdemir (۲۰۱۰) نیز بر همین نکته تأکید کرده‌اند که اگر مفاهیم محیط‌زیستی با باورها و ارزش‌های درونی افراد پیوند یابد، رفتارهای زیست‌محیطی از سطح تصنعی فراتر رفته و در سطح هویت نهادینه می‌شوند.

با استناد به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که تلفیق تربیت دینی و آموزش محیط‌زیستی نه‌تنها ممکن است، بلکه در صورتی که مبتنی بر مفاهیم بنیادین دین، سیاست‌گذاری منسجم، و روش‌های نوین آموزشی باشد، می‌تواند به یکی از مؤثرترین الگوهای آموزش برای توسعه پایدار تبدیل شود. برای تحقق این هدف، رویکردهای تک‌موضوعی و خطی باید جای خود را به طراحی‌های میان‌رشته‌ای و کل‌نگر در آموزش رسمی و غیررسمی بدهند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Chuvieco, E., Burgui, M., & Gallego-Álvarez, I. (2016). Impacts of religious beliefs on environmental indicators: Is Christianity more aggressive than other religions? *Worldviews: Global Religions, Culture, and Ecology*, 20(3), 251–271.
- Ewert, A., Place, G., & Sibthorp, J. (2006). Early-Life Outdoor Experiences and an Individual's Environmental Attitudes. *Leisure Sciences*, 27(3), 225–239.
- Nasrabadi, H. A., & Yousefy, A. (2011). Environmental Education in Islamic Culture. *International Journal of Environmental Research*, 5(2), 333–340.
- Ozdemir, O. (2010). An examination of the environmental ethics approaches in the context of Quran. *Journal of Academic Studies*, 45, 33–46.
- Scott, W., & Gough, S. (2003). *Sustainable development and learning: Framing the issues*. London: Routledge.
- Stevenson, R. B., Brody, M., Dillon, J., & Wals, A. E. (2013). *International handbook of research on environmental education*. Routledge.
- Sterling, S. (2001). *Sustainable Education: Re-visioning learning and change*. Green Books.
- Zsóka, Á., Szerényi, Z. M., Széchy, A., & Kocsis, T. (2013). Greening due to environmental education? Environmental knowledge, attitudes, consumer behavior and everyday pro-environmental activities of Hungarian high school and university students. *Journal of Cleaner Production*, 48, 126–138.